

ژئوپلیتیک شیعه و نقش آن در روابط ایران و پاکستان

حجت مهکویی*

حسن باویر

چکیده

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، تشیع به یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار دنیای ژئوپلیتیک تبدیل شد. با این دگرگونی کم‌نظیر در کانون جغرافیایی شیعه، تشیع در کشور بزرگی مثل ایران به قدرت سیاسی دست یافت. مسلم است که سیاسی شدن شیعه در جهان، ماهیتی ژئوپلیتیک پیدا کرده است، چرا که از نقطه نظر ژئوپلیتیک، مسائل ایران و تشیع به گونه‌ای با هم پیوند خورده است که ایران نمی‌تواند نسبت به سرنوشت شیعیان بی تفاوت باشد. از جمله کشورهایی که بعد از ایران بیش‌ترین جمعیت شیعه را در خود جای داده است همسایه شرقی ایران یعنی پاکستان است. ایران و پاکستان به عنوان دو کشور مهم و استراتژیک در جنوب غرب آسیا توانسته‌اند تأثیرگذاری مهمی بر تحولات منطقه و نیز بین‌الملل داشته باشند. اشتراکات فرهنگی، مذهبی و اجتماعی از یک سو و داشتن مرز مشترک پهناور از سوی دیگر موجب شده است روابط دو کشور با وجود اختلافات بنیادی در منافع و رویکردهای سیاسی نسبت به مسائل مهم و استراتژیک منطقه‌ای و بین‌المللی بر اساس رابطه‌ای دوستانه و پایدار تنظیم و استوار باشد که در این میان نقش شیعیان پاکستان به عنوان اقلیتی چشمگیر و فعال در حوزه‌های سیاسی اجتماعی که حدود بیست درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند مورد توجه است. در این پژوهش به بررسی روابط ایران و پاکستان از منظر ژئوپلیتیک شیعه پرداخته شده که در نتیجه آن نشان داده می‌شود شیعیان پاکستان با وجود فشارهایی که از جانب گروه‌های سلفی و تکفیری بر آن‌ها حاکم است اما توانسته‌اند در روابط بین این کشور و جمهوری اسلامی ایران نقش ویژه‌ای داشته باشند.

واژگان کلیدی: ایران، پاکستان، شیعه، ژئوپلیتیک، ژئوپلیتیک شیعه، روابط بین‌الملل.

* گروه جغرافیای سیاسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران
گروه جغرافیای سیاسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران
تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۸/۲۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۴/۱۴
نویسنده عهده‌دار مکاتبات: hojat_59_m@yahoo.com

۱. مقدمه

انقلاب اسلامی ایران به عنوان یکی از بزرگ‌ترین رخداد‌های قرن بیستم توانست آثار سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مهمی در سطح منطقه و حتی بین‌الملل داشته و به عنوان یک الگوی عملی بیش‌ترین تأثیر بر مجامع شیعی منطقه وارد سازد که از یک طرف سبب شد مذهب شیعه مورد توجه قرار گرفته و به جهانیان عرضه شود و از سوی دیگر، جوامع شیعی در کشورهای مختلف احساس خودباوری کرده، برای رشد و اعتلای سیاسی گام بردارند. (حافظ نیا و احمدی، ۱۳۸۸: ۷۳-۱۰۹)

با پیروزی و گسترش انقلاب اسلامی ایران، مسلمانان پاکستان نیز امیدوارتر از قبل و با تأسی از آموزه‌های اسلامی در راستای آزادی و استقلال گام برداشتند و اسلام سیاسی از حاشیه به متن آمد و جنبش‌های اسلامی مانند نهضت فقه جعفری با الهام از آموزه‌های اسلامی شکل گرفتند. در این میان شیعیان پاکستان بیش از سایر گروه‌ها از انقلاب اسلامی ایران تأثیر پذیرفتند و به ایران به عنوان یک حامی و الگوی مبارزه نجات‌بخش نگاه می‌کنند. (میلانی و اسماعیلی، ۱۳۹۳: ۴۶-۶۷)

بنابراین، موضوع روابط بین دو کشور با وجود اشتراکات دینی و تماس‌های فرهنگی موضوعی پیچیده است، به‌ویژه مسئله را صرفاً بر اساس حضور و نفوذ شیعیان در کشور پاکستان بررسی نماییم.

با توجه به ساختار سیاسی پاکستان که مبتنی بر جاگیرداری و سرداری است، برخی خانواده‌های سیاسی به‌طور سنتی قدرت سیاسی را در دست داشته‌اند که در میان آنان خانواده‌های سرشناس شیعه نیز وجود دارد (عارفی، ۱۳۸۵: ۶۵) که این موضوع توانسته است یکی از زمینه‌های مهم ارتباط بین دو کشور باشد.

۲. بیان مسئله

هرچند پیشینه پیوندهای تمدنی، تاریخی و فرهنگی ایران با شبه‌قاره هند به هزاران سال می‌رسد، اما سابقه تاریخی مناسبات سیاسی ایران با کشورهای این منطقه مانند پاکستان از عمر کوتاهی برخوردار است. پایان عصر استعمار و آغاز موج جنبش‌های استقلال‌طلبانه در جهان سوم موجب ایجاد موجودیت‌های جدیدی در جغرافیای سیاسی جهان شد که تجزیه شبه‌قاره هند و شکل‌گیری کشور پاکستان در اوت ۱۹۴۷ از مهم‌ترین آن‌ها به شمار می‌آید. (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۰: ۹۸-۱۰۶)

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ منجر به تغییر بنیادین نخبگان سیاسی حاکم و گفتمان سیاست داخلی و خارجی کشور شد که بر مناسبات آن با بسیاری از کشورهای جهان

از جمله پاکستان اثرات فراوانی بر جای گذاشت. علی‌رغم اینکه دولت پاکستان، نخستین دولتی بود که در فوریه ۱۹۷۹ انقلاب اسلامی ایران را به رسمیت شناخت، اما حاکم شدن گفتمان شیعی، اتخاذ رویکرد آرمان‌گرایانه و تجدیدنظرطلبانه در سیاست خارجی ایران و نیز خروج از جرگه متحدان و اشنگتن (خروج از پیمان سنتو و عضویت در جنبش عدم تعهد) نقطه پایانی بر مناسبات گذشته و آغاز فصل تازه‌ای از روابط میان اسلام‌آباد و تهران بود که طیف گسترده‌ای از رقابت و همکاری‌ها را در بر می‌گرفت (همان) که تا کنون سفرهای متعدد رؤسای دو دولت در همه سطوح (رئیس‌جمهوری، وزرا، مسئولان امور اقلیت‌ها و حتی رؤسای سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی) به عنوان نمادی از روابط دوستانه و برادرانه بوده است.

با عنایت به مطالب فوق، بررسی ژئوپلیتیک شیعیان و نقش آنان در روابط بین دو کشور ایران و پاکستان ضرورت انجام این پژوهش را می‌طلبد به‌گونه‌ای که در مناسبات بین دو کشور نمی‌توان نقش اقلیت فراوان شیعیان پاکستان را انکار کرد.

بنابراین، نظر به بیان مسئله و مباحث ارائه‌شده پژوهش حاضر در پی یافتن پاسخی مناسب به این پرسش است که از منظر ژئوپلیتیک شیعه روابط ایران و پاکستان چگونه ارزیابی می‌شود؟ به نظر می‌رسد با توجه به نفوذ سیاسی و جایگاه اجتماعی شیعیان در پاکستان، شیعیان توانسته‌اند نقشی مهم و راهبردی در مناسبات دو کشور ایفا کنند.

هدف از نگارش مقاله، پاسخ به پرسش مطرح‌شده و بررسی فرضیه پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی و با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای و اسنادی و منابع اینترنتی است.

۳. مبانی نظری

۳-۱. ژئوپلیتیک و مذهب

ژئوپلیتیک شاخه‌ای است از علوم جغرافیایی و به آن بخش از معرفت بشر اطلاق می‌شود که به معلومات ناشی از ارتباط بین جغرافیا و سیاست مربوط می‌شود؛ بنابراین، ژئوپلیتیک علم مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت، سیاست و کنش‌های ناشی از ترکیب آن‌ها با یکدیگر است. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۳۷)

آنچه از تعریف ژئوپلیتیک مهم به شمار می‌آید این است که آیا پدیده‌هایی با رویکرد فرهنگی و مذهبی می‌توانند از ماهیتی ژئوپلیتیکی برخوردار باشند؟ و آیا می‌توان ادعا کرد که مذاهبی همچون تشیع در اثر شرایط و رویدادهای خاصی بار سیاسی پیدا کرده و در صحنه‌های رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نقش‌آفرینی می‌کنند؟ (احمدی و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۵-۹۱)

به اعتقاد کارشناسان مربوطه، ژئوپلیتیک ابعاد و جنبه‌های متعددی به‌ویژه از منظر سیاسی، نظامی، اقتصادی و نیز فرهنگی دارا است. بعد فرهنگی ژئوپلیتیک با ژئوکلچر که خود جنبه‌های

متعددی از جمله مذهب را شامل می‌شود، با توجه به نقش مهمی که در سیاست و زندگی بشر دارد به عنوان یکی از مباحث مهم ژئوپلیتیک مطرح و مورد توجه است. (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۸۵)

با این وجود با ظهور حکومت‌های سکولار عرصه جهانی شاهد کاهش نقش عمومی مذهب از قرن هفده به بعد است، و بنابراین، ایدئولوژی‌های منشعب از دین دارای نقش ثانویه شدند. (سیمبر، ۱۳۸۵: ۹۸-۱۱۸) به عبارت دیگر، پیش از قرن هفدهم میلادی تعاملات دینی و مذهبی نقش محوری در شکل‌گیری نظام جهانی و سایر امور مربوط به آن را داشتند درحالی‌که پس از وستفالی دنیا شاهد افول جدی بازیگران مذهبی بود. (Agnew, 2006: 183-191)

در قرن بیستم و از اواسط دهه هفتاد میلادی سلطه ساختارهای سکولار برای انسجام‌بخشی به رفتار سیاسی کشورها به‌طور فزاینده‌ای در دنیا مورد چالش‌های جدی قرار گرفت، و دلیل این امر تأثیرگذاری مختلفی بوده است که مذاهب گوناگون در سطح دنیا داشته‌اند. در این برهه حرکت‌های سیاسی مذهبی به‌طور عمومی در روندهای حکومتی و سیاسی مداخله کردند. برخی حرکت‌های مذهبی دیگر نیز با تشکیل احزاب سیاسی، خود را درگیر انتخابات کردند برخی دیگر نیز در احزاب قدیمی برای گسترش فعالیت‌های قدیمی ادغام شدند. گروهی نیز خواهان تغییرات فوری‌تر سیاسی شدند و با راه‌اندازی تظاهرات و اعتراضات مردمی این هدف را دنبال کردند. (سیمبر، ۱۳۸۵: ۹۸-۱۱۸) بنابراین، مباحث و خواسته‌های مذهبی مرزهای بین‌المللی را تحت تأثیر خود قرار داد و طرح مجدد مذهب در روابط بین‌الملل به عنوان چالشی فکری و علمی برای تحلیل‌گران ژئوپلیتیک مطرح شد. به طور کلی برخی از نویسندگان معتقدند که مذهب می‌تواند منبع خوبی برای فهم و بحث مسائل جهانی، روابط یا تهدیدهای موجود در آن باشد.

۲-۳. ژئوپلیتیک شیعه

اصطلاح ژئوپلیتیک شیعه که در سال‌های اخیر وارد واژگان ژئوپلیتیکی زبان فارسی شده است، نتیجه حاکمیت گفتمان سیاست خاصی است که توسط اندیشمندان سیاسی امریکا در دوره پس از جنگ سرد و همزمان با پایان یافتن دوره استعمار مستقیم در کشورهای خاورمیانه با هدف خشونت‌گرا جلوه دادن مذهب شیعه و تحریک احساسات جهانی برای مقابله با آن ابداع شد. (افضلی و دیگران، ۱۳۹۱: ۷۸-۸۷)

ژئوپلیتیک شیعه به مفهوم امتداد جغرافیای سیاسی شیعه در کشورهای مختلف خاورمیانه بزرگ با هارتلند ایران است. در واقع کمربندی از تشیع، حیات اقتصادی، استراتژیکی و تاریخی اسلام را در بر می‌گیرد که بخش‌هایی از لبنان، سوریه، عراق، عربستان، کویت، بحرین، ایران، افغانستان، پاکستان و هندوستان را در بر می‌گیرد. (افضلی‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۱۱-۱۲۴) از طرفی با

توجه به خصوصیات ژئوپلیتیکی کشورهای واقع در حوزه ژئوپلیتیکی شیعه، ساختار طبیعی و انسانی ژئوپلیتیک شیعه، صفاتی را به آن بخشیده که به منزله یک واحد کارکردی فعال و مؤثر در نظام جهانی عمل می‌کند. صفاتی مانند منابع، جمعیت، طرز قرارگیری، موقعیت جغرافیایی و نظایر آن، توانسته است در مسائل مهم جهانی نظیر انرژی، عملیات راهبرد نظامی، اندیشه دینی، امنیت بین‌المللی، تجارت جهانی و غیره، تأثیرات چشم‌گیری در جهان داشته باشد. (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۱۱-۱۲۴) و این مؤلفه‌های مثبت جغرافیایی شیعیان ظرفیت‌های بالقوه فراوانی را برای ایفای نقش آنان در عرصه‌های گوناگون بین‌المللی فراهم کرده است؛ بنابراین، با توجه به اهمیت ژئوپلیتیکی مناطق شیعه‌نشین در خاورمیانه نگرانی‌های زیادی در غرب راجع به اندیشه شیعه به وجود آمده است که می‌توان بر اساس رابطه متقابل ساختار (موقعیت ژئوپلیتیکی شیعیان) و کارگزار (ایدئولوژی انقلابی تشیع) و تأثیر آن بر منافع غرب در منطقه تحلیل و بررسی کرد. در واقع از سویی از موقعیت ژئوپلیتیکی شیعیان به عنوان یک ساختار که قسمت اعظم منابع نفتی خاورمیانه را در اختیار دارد، نگران است و هم از ایدئولوژی انقلابی تشیع به عنوان یک کارگزار که همواره بر عدالت تأکید داشته است؛ بنابراین، با توجه به این مسائل برخی از جریان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی با طرح موضوع شکل‌گیری هلال شیعی و خطرهای ناشی از آن، سعی دارند یک نزاع فرقه‌ای و سیاسی را در منطقه خاورمیانه به وجود آورند تا از این طریق بتوانند تغییرات بنیادین در منطقه ایجاد کرده، نفوذ دین در حوزه‌های سیاسی و عمومی را کاهش دهند. (کاویانی‌راد و دیگران، ۱۳۹۱، همایش ژئوپلیتیک شیعه)

به‌طور کلی می‌توان ویژگی‌های مذهب شیعه را از منظر ژئوپلیتیک این‌گونه بیان کرد:

- ۱-۲-۳. از نظر جمعیتی، شیعیان (بیش از ۱۰۰ میلیون نفر) نسبت به اهل تسنن در منطقه خلیج فارس افزایش قابل‌ملاحظه و چشمگیری دارند؛
- ۲-۲-۳. عربستان سعودی اولین کشور در جهان از نظر داشتن ذخایر نفتی است؛ از این رو، سکونت شیعیان در شرق این کشور و اشتغال آن‌ها در صنعت نفت عربستان سعودی که به عنوان یک پارامتر کلیدی است، توانایی نقش‌آفرینی دارند؛
- ۳-۲-۳. ایران به عنوان یکی از کشورهای قدرتمند از منظر ژئوپلیتیک در خاورمیانه، با توجه به جمعیت غالب شیعه، توانایی حمایت و هدایت آن‌ها را دارد؛
- ۴-۲-۳. از نظر جغرافیایی - ژئوپلیتیکی شیعیان در خاورمیانه در موقعیت برتری نسبت به اهل تسنن قرار دارند؛ حضور در منطقه خلیج فارس و دریای خزر (کشور آذربایجان) به عنوان یک موقعیت برتر توانایی ایفای نقش بیشتری را برای آن‌ها فراهم می‌کند. (مهکویی، ۱۳۹۱: ۹-۳۹)

۳-۳. نگاهی به رویکردهای رئالیستی، لیبرالیستی و اسلامی در روابط بین‌الملل

از دیرباز دو نگرش عام و فراگیر لیبرالیستی و رئالیستی به عنوان دو گفتمان غالب در نظریه‌پردازی‌های روابط بین‌الملل و نحوه سیاست‌گذاری خارجی کشورها محسوب می‌شدند. این دو گفتمان هر یک از نظر فلسفی (وجودشناسی) و انسان‌شناسی به صورت متفاوت به تحلیل و مطالعه روابط بین‌الملل پرداخته‌اند.

نحوه نگرش رئالیسم به انسان، سیاست و جامعه، آنان را به دیدگاه موسوم به «جنگ‌محوری» در روابط بین‌الملل سوق می‌دهد، درحالی‌که بر اساس ایدئالیسم (لیبرالیسم) و نگرش خاصی که این مکتب به انسان، سیاست و جامعه دارد، اصل حاکم بر روابط بین‌الملل، صلح‌محور است و جنگ وضعیت عارضی است. (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۸۹: ۵-۴۲)

با توجه به اینکه هر کدام از رویکردهای موجود در نظریه‌پردازی روابط بین‌الملل دارای مبانی فرانظری (هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی) متفاوتی از همدیگر هستند و تفسیر متفاوتی از ماهیت روابط بین‌الملل ارائه می‌دهند، رویکرد اسلامی به روابط بین‌الملل نیز از این قاعده مستثنی نبوده، با توجه به مبانی فرانظری خود تفسیر ویژه‌ای از ماهیت روابط بین‌الملل ارائه می‌دهد. (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۸۹: ۵-۴۲) بنابراین، اسلام در کنار توجه به مسائل مادی (همچون منفعت و قدرت) به مسائل ارزشی و اخلاقیات توجه ویژه‌ای دارد و در روابط بین‌الملل کنونی توجه به دیدگاه‌های اخلاقی و دینی، اجرای استراتژی مناسب از طرف کشورهای اسلامی و به‌ویژه محافل فکری و برقراری ارتباط شایسته بین کشورهای اسلامی و ارتقای جایگاه آن‌ها در سیاست بین‌الملل را ارائه داده و هژمونی آن‌ها را به چالش کشیده است و حداقل آن دیدگاه‌ها را بر آن داشت که در بازتفسیر رهنمودهای خود دین و اخلاقیات را هم مورد توجه قرار دهند؛ در واقع، مسائل دینی می‌توانند حتی تغییرات ساختاری در روابط بین‌الملل به وجود بیاورند. (Snyder, 2009)

ظهور اسلام سیاسی به عنوان یک نیروی تعیین‌کننده در روابط بین‌الملل، مبنا و مفروض کلیه نظریه‌های سکولار روابط بین‌الملل مبنی بر عدم تأثیرگذاری دین بر تحولات و نتایج بین‌المللی را نقض و باطل می‌سازد، زیرا هیچ‌کدام از این نظریه‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای برای دین در سیاست بین‌المللی قائل نیستند. پارادایم واقع‌گرایی، اعم از کلاسیک و ساختاری، به‌طورکلی نقش علی عناصر و ساختارهای غیرمادی، ایده‌ها و انگاره‌ها را در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل انکار می‌کند، زیرا کشورها از ایدئولوژی و نظام ارزشی حاکم بر آن‌ها درصدد تأمین منافع و قدرت ملی خود و پیشینه‌سازی قدرت هستند؛ بنابراین، اسلام کوششی برای تعقیب و تأمین منافع و قدرت ملی در نظام بین‌الملل آنارشیک قلمداد می‌شود. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۱۱-۴۰)

نظریه‌های لیبرال مانند صلح دموکراتیک و نهادگرایی نولیبرال نیز گرچه نقش مستقلی برای ارزش‌ها و هنجارها در روابط بین‌الملل قائل‌اند، ولی انحصاراً بر ارزش‌ها و ناهنجاری‌های

لیبرالی به عنوان عوامل ثبات بخش در نظام بین الملل تأکید دارند. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۲-۱۱۷:۷۳)

با عنایت به مطالب ذکر شده در ارتباط با رویکردهای متفاوت به روابط بین الملل، می توان به الگوی ترکیبی از مواجهه نظام فکری مختلف با روابط بین الملل به شرح جدول زیر اشاره کرد. (جدول ۱)

جدول ۱: رویکرد رئالیستی، لیبرالیستی و اسلامی به روابط بین الملل

مکاتب	سرشت بشر	کانون نظریه	نظریه دولت	اصل حاکم بر روابط بین الملل	منطق علی نظریه
رئالیسم	بدرشت	قدرت	دولت محور	جنگ محور	قدرت طلبی + ترس = جنگ دائمی
لیبرالیسم	نیک سرشت	عقلانیت	فرد محور	صلح محور	تأمین اخلاق، آزادی، تعاون و همکاری = صلح
اسلام	سرشت دوگانه بشر و ذاتاً نیک سرشت	شرع	دین محور	وجود جنگ و صلح با هم با تأکید بر اصالت صلح	تقدم فطرت بر غریزه = صلح دائم تقدم غریزه بر فطرت = جنگ دائم

منبع (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۵-۴۲)

به طور کلی می توان گفت که با توجه به اینکه رویکرد اسلامی روابط بین الملل در مبانی هستی شناسی خود، اصل اعتدال و میانه روی را رعایت کرده و با یک نگرش منطقی به ماهیت انسان، سیاست و روابط بین الملل نگاه می کند، بهتر می تواند به تفسیر روابط بین الملل بپردازد. (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۵-۴۲)

۴. یافته های تحقیق

۴-۱. الزامات و چگونگی مذهب شیعه

واژه شیعه که از دیرباز نام و اصطلاحی برای پیروان مکتب اهل بیت (ع) است، در عربی از نظر لغوی به دو گونه به کار می رود؛ مضاعف به اسم فرد یا خاندان به معنای پیروان، و مفرد (الشیعه) به معنای گروه. میان کاربردهای مضاعف، شیعه علی (ع) کهن ترین نمونه و برگرفته از احادیث نبوی بود و در امتداد آن شیعه آل محمد (ص) استعمال شد. به طور کلی، کاربردهای اصطلاح الشیعه در برخی مقاطع تاریخی بیانگر دو مفهوم خاص و عام بود. شیعه در مفهوم اصطلاحی خاص، شامل معتقدان به امامت منصوب و بلا فصل علی (ع) و فرزندان او بود و در مفهوم عام، دامنه ای وسیع تر داشت و گرایش غیر اعتقادی (محبتی) را نیز پوشش می داد. با این حال، با گذشت زمان، شیعه به مفهوم اصطلاحی خاص (اعتقادی) تطبیق یافت و اسمی برای پیروان مذهب تشیع شد و کسانی که محب اهل بیت (ع) بودند تشیع نام گرفتند. (منتظری مقدم، ۱۳۹۳: ۱۱۵-۹۵)

اما رفتار سیاسی موضوعی است که در بررسی پیشینه تاریخی هر مکتب و برای شناخت نوع نگاه آن به مسئله جامعه و سیاست قابل بررسی است. مذهب تشیع پس از عصر ائمه (ع) دارای تاریخ پرفراز و نشیبی در عرصه اجتماعات است. مذهبی که در آغاز در مقابل جریان خلافت نشأت گرفته از سقیفه آغاز می شود و در دوره هر کدام از ائمه اطهار (ع) به نوعی به حیات و فعالیت خود ادامه می دهد. نگاه تشیع به اجتماع و سیاست یا به عبارت بهتر، فلسفه سیاسی شیعه دارای وجه تمایزی از دیگر مکاتب فکری است و آن اینکه این نگاه با مبانی کلامی شیعه گره خورده و اصالتاً بحث از فلسفه سیاست بحثی در چهارچوب تبیین امامت به عنوان یکی از اصول مذهب امامیه در کلام شیعی است. (خوش صحبتان، ۱۳۹۰: ۶)

نکته ای که در بحث فلسفه سیاسی تشیع باید مورد توجه قرار گیرد آن است که همواره در عصر غیبت معصوم (ع) به تناسب بستر اجتماعی، جایگاه نظریه شیعه نگاهی معطوف به عنصر زمان و مکان بروز اجتماعی این بحث در عمل است.

شیعه به عنوان یک اقلیت در مجموعه جهان اسلام، در طول تاریخ به مثابه «دگر» سیاسی اجتماعی در درون دولت های عربی بازتعریف شده و قرن ها به صورت حساب شده ای سرکوب شده است.

این شرایط سبب شده که شیعیان همواره از یک سو بر اساس اندیشه های بنیادین تشیع در مورد حکومت اسلامی در دوره غیبت و سنت عزلت گرایانه سیاسی مرجعیت شیعه در تاریخ و از سوی دیگر به دلیل جایگاه آنان به عنوان اقلیتی در جهان اسلام، مشارکت سیاسی محدودی در ساختار حکومت جوامع اسلامی در کشورهای خاورمیانه داشته باشند؛ بنابراین، با توجه به هویت فردی و غیرسیاسی شیعیان، همواره سیاست های تبعیض آمیزی از سوی حکومت های استبدادی دولت های عربی بر آنان تحمیل شده است. (جاودانی مقدم و نصوحیان، ۱۳۸۸: ۹۹-۱۱۲)

در این میان، خودآگاهی شیعی و احیای مکتب سیاسی شیعه در جهان اسلام و تلاش آن به منظور کسب عدالت اجتماعی و سیاسی در دوره های مختلفی از تاریخ اسلام در قالب جنبش ها و قیام های اجتماعی در کشورهای اسلامی وجود داشته است، زیرا شیعیان از یک سو با دارا بودن آموزه های آیینی و تحت تأثیر نهضت امام حسین (ع) و اسطوره های خود از انگیزه های انقلابی و عدالت گرایانه برخوردار بوده اند و از سوی دیگر به دلیل شرایط تبعیض آمیز سیاسی- اجتماعی در ساختار قدرت این کشورها، زمینه های بازتولید هویت جمعی آنان و تحول خواهی به منظور تغییر شرایط موجود به وضعیت مطلوب در میان آنان وجود دارد، بر این اساس، هویت یابی شیعه ناشی از قابلیت های بالقوه فرهنگی، سیاسی و ایدئولوژیک آنان بود. (جاودانی مقدم و نصوحیان، ۱۳۸۸: ۹۹-۱۱۲)

۴-۲. مروری بر سیر تکوین تشیع در ایران و پاکستان

ایران

با یک نگاه مختصر به تاریخ گذشته ایران معلوم خواهد شد که نفوذ تشیع در ایران، نه تنها به صورت دفعی نبوده، بلکه سیر تدریجی آن تا قرن‌ها با کندی صورت می‌گرفته است. با نگرشی به حوادث و وقایعی که در ارتباط با رشد گرایش‌های شیعی است، می‌توان برای سیر تدریجی نفوذ تشیع در ایران چند مرحله را در نظر گرفت، به طوری که هر کدام از آن‌ها مرحله‌ای فراتر از مرحله قبل است:

مرحله اول، در میان موالی ایران در عراق. مرحله دوم، نفوذ تشیع در بعضی از مناطق مرکزی ایران همچون قم. مرحله سوم، توسعه گرایش‌های شیعی با روی کار آمدن بنی‌عباس. مرحله چهارم، فتح طبرستان به دست علویان. مرحله پنجم، برپایی حکومت آل بویه. مرحله ششم، پس از حملات مغول‌ها. مرحله هفتم، روی کار آمدن دولت صفویه. از زمانی که اسلام در ایران راه پیدا کرد، به همراه آن اسلام شیعی و سنی در این سرزمین راه یافت. چون تشیع و تسنن دو شاخه یا دو قرائت یا دو جمعیت سیاسی - مذهبی درون خانواده اسلام قرار دارند، اما عده‌ای بر این باورند که اولین سلسله دوازده‌امامی ایرانی، باوندیان، حاکم در مازندران در دوره سلجوقی بودند که به عنوان پناه‌دهنده به عالمان امامی عمل می‌کردند. برخی آل‌بویه را به عنوان نخستین سلسله شیعه دوازده‌امامی ایرانی به شمار آورده‌اند. کسانی که در آغاز بیشتر زیدی بودند و بعد از مدتی درصدد حمایت از معتزله و شیعه برآمدند. (موسوی بجنوردی، ۱۳۶۷: ۵۸۵) به هر حال دومین حکومت مقتدر شیعی در ایران آل‌بویه بود. در سایه حکومت ۱۱۳ ساله آل‌بویه، شیعیان توانستند با آزادی نسبی موجود، دامنه‌های افکار شیعی را توسعه داده، عقاید و احادیث خود را در قالب کتاب‌ها و رساله‌ها تدوین و عرضه کنند. از پدیده‌های مهم این دوران برگزاری مراسم گرامیداشت عاشورا در بغداد در سال ۳۵۲ از سوی معزالدوله است. در کنار این مراسم، مراسم بزرگداشت روز غدیر نیز با شکوه تمام برگزار شد.

با روی کار آمدن صفویه، چون شاه اسماعیل صفوی از صوفیان قزلباش شیعه‌مذهب بود و در سال ۹۰۷ هجری بر تخت سلطنت جلوس کرد، مذهب شیعه دوازده‌امامی را در ایران رسمیت داد و آن را علی‌رغم سلطان سلیم، پادشاه عثمانی، که بر طریق تسنن بود، به عنوان مذهب رسمی کشور ایران اعلام کرد و تبلیغ این مذهب را جزو سیاست دولت خود قرار داد و گفتن اشهد ان علیا ولی الله و حی علی خیر العمل را در اذان و اقامه عملی ساخت. اندک‌اندک در کوتاه‌ترین زمان، مردم ایران به مذهب تشیع روی آوردند و آن را پذیرفتند و بدین گونه در اندک زمانی مذهب شیعه اثنی‌عشری در بیشتر ولایات ایران با استقبال گرم مردم آن ولایات روبه‌رو شد و از آن زمان تاکنون که در حدود پانصد سال می‌گذرد، شیعه جعفری اثنی‌عشری

مذهب رسمی دولت و ملت ایران شده است. صفویه پس از رسمیت دادن مذهب شیعه اثنی عشری، برای اینکه معارف نوینی را جانشین معارف کهن سنی کرده باشند، درصدد برآمدند که فقهای از جبل عامل لبنان که در آن روزگار مهد معارف شیعه بود یا بحرین و احسا که در ساحل غربی خلیج فارس قرار داشتند برای تعمیم و تتبع فقه و کلام شیعه به ایران دعوت کنند؛ بنابراین، دانشمندانی همچون شیخ حر عاملی و شیخ بهاءالدین عاملی به ایران روی آوردند و بعداً شاگردانی از آن‌ها مثل علامه مجلسی بر سر کار آمدند که در ترویج مذهب شیعه نقش بسیار مهمی را ایفا کردند. (سعادت‌ئی نژاد، ۱۳۹۲)

پاکستان

تشیع در نیمه اول قرن یکم هجری به سرزمین شبه‌قاره هند راه پیدا کرده است. در دوران حکومت حضرت علی (ع) نیروهای عرب از مرزهای سند عبور کردند. بخشی از مردم «جات» ارادتی عمیق به حضرت پیدا کردند، به طوری که به علو و الوهیت کشیده شدند. «شنسب، جد غوریان، که فاتح شمال هند بود به دست حضرت علی بن ابی طالب اسلام آورد و با امام پیمان وفاداری بست و از ایشان مقررات و دستورالعمل‌هایی را گرفت. در مراسم تاج‌گذاری حاکم جدید، میثاقی که توسط حضرت علی بن ابی طالب (ع) نوشته شده بود به زمامدار جدید تحویل داده شد و او نیز متعهد شد که به شرایط و مفاد آن عمل کند. آنان مریدان حضرت علی بودند و عشق آن حضرت و اهل بیت پیامبر عمیقاً در عقایدشان ریشه دوانده بود.» (اطهر رضوی، ۱۳۷۶: ۲۲۹)

محمد قاسم فرشته، مورخ معروف هندی، نیز در کتاب خود می‌نویسد که شنسب و قبیله او همیشه بر دوستی و طرفداری خاندان اهل‌بیت باقی ماندند. سلسله «شنسبانی» در جریان قیام ابومسلم که منجر به سقوط اموی‌ها شد، از قیام ابومسلم حمایت کرد. مردم سند پس از تشرف به اسلام، روابط خود را با اهل‌بیت پیامبر (ص) حفظ کردند. به گفته ابن قتیبه، یکی از همسران امام سجاد (ع) به نام حمیدان از اهالی سند بود و زید شهید نیز از فرزندان همسر سندی امام سجاد (ع) بوده است. در عصر امام صادق (ع) نیز افراد زبده‌ای از ناحیه سند نزد امام صادق (ع) مشغول فراگیری علوم اسلامی بودند که از آن میان می‌توان به ابان سندی، خلاد سندی و فرج سندی اشاره کرد.

در زمان منصور، خلیفه دوم عباسی، عمرو بن حفص به فرمانداری سند منصوب شد. او یکی از طرفداران جدی حضرت علی (ع) بود و از قیام محمد «نفس زکیه» حمایت کرد و برای عبدالله اشتر، فرزند محمد که در بصره مشغول جمع‌آوری سلاح و تجهیزات بود، پول‌هایی فرستاد تا اسب و شمشیر تهیه کند. پس از جریان شهادت محمد نفس زکیه، عبدالله اشتر، فرزند وی، به عمرو بن حفص در سند پناهنده شد و عمرو او را نزد یکی از راجه‌های هندی فرستاد تا از

ایشان نگهداری کند. عبدالله ده سال در سرزمین راجه هندی به تبلیغ آیین تشیع پرداخت. (اطهر رضوی، ۱۳۷۶: ۲۲۹)

در قرن سوم و چهارم هجری، تشیع اسماعیلی در هند گسترش یافت. در سال ۲۷۰ ق / ۸۸۳ م هیشم از طرف ابن جوئب منصور الیمان، داعی اسماعیلی مذهب یمنی، برای تبلیغ به سند فرستاده شد و او این مذهب را در ناحیه سند گسترش داد. در سال ۳۷۳ ق العزیز، خلیفه فاطمیان، سپاهی به فرماندهی ابن شیبیان به سمت ملتان اعزام کرد. او ملتان را تسخیر کرد و به نام خلیفه فاطمی خطبه خواند، اما در سال‌های ۳۹۹ و ۴۰۰ در پی لشکرکشی سلطان محمود غزنوی به هند، حکومت طرفدار خلیفه فاطمی سرنگون و تعدادی از طرفداران این فرقه به قتل رسیدند. هجوم غزنوی‌ها در کل نتوانست به حکومت و اقتدار اسماعیلیه در سند پایان بخشد. اسماعیلی‌ها پس از اندک زمانی دوباره به سازمان‌دهی خود پرداخته، سلسله حکومت مستقل «سومره» را در سند به وجود آوردند که تا چهار قرن استمرار یافت. (رضوی، ۱۹۹۲: ۳۶۶)

شیعیان به تدریج در سده‌های بعد، قدرت بیشتری کسب کردند. آن‌ها در نواحی گوناگون هند، به ویژه شمال آن، حکومت‌های مستقلی تأسیس کردند. سلسله حکومت‌های شیعی «اوده»، «بیجاپور» و «عادل شاهان» در هند معروف‌اند.

پس از سلطه استعمار انگلیس بر شبه‌قاره هند در قرن هجدهم، قدرت مسلمانان، به ویژه شیعیان، رو به زوال نهاد. در واقع، دوران سلطه دو قرنه استعمار بر هند، دوران انتقال قدرت از مسلمانان به هندوها بود که تا امروز نیز این وضعیت در سرزمین هند ادامه دارد، اما در پاکستان که در سال ۱۹۴۷ استقلال خود را از هند و انگلیس به دست آورد، قدرت دوباره در دست مسلمانان قرار گرفت، اما شیعیان به دلیل در اقلیت بودن نتوانسته‌اند نقش سرنوشت‌سازی در صحنه سیاسی پاکستان ایفا کنند.

۳-۴. سیر تاریخی روابط ایران و پاکستان

سابقه تاریخی روابط ایران و پاکستان به سال ۱۹۴۷، یعنی استقلال این کشور از هند برمی‌گردد. پس از استقلال پاکستان، ایران اولین کشوری بود که پاکستان را به رسمیت شناخت. روابط دو کشور از ماه می ۱۹۴۸ آغاز شد و در ماه مارس ۱۹۵۰ پیمان مودت بستند.

کشور پاکستان به دلیل داشتن مرزهای مشترک طولانی با کشورهای بزرگ و نیز به دلیل عدم برخورداری از عمق استراتژیک در مرزهای شرقی و شمالی و قرار گرفتن در معرض تهدید دو کشور همسایه - هند و افغانستان - مشتاق بود که همواره با ایران رابطه‌ای دوستانه داشته باشد. ضمن آنکه پاکستان ایران را راه میان‌بری برای برقراری ارتباط با جهان اسلام می‌دانست. (Askari, Rizvi, 2004: 1-29) بنابراین، مناسبات دو کشور بر پایه عوامل یادشده و نیز پیوندهای

فرهنگی و تمدنی به سرعت توسعه یافت. علایق مستمر پاکستان به ایران از این واقعیت ناشی می‌شود که ایران به عنوان همسایه بلافصل، پدر فرهنگ پاکستانی نیز محسوب می‌شود. مناسبات دو کشور به دلیل نزدیکی سیاست‌های دولت شاهنشاهی ایران و دولت پاکستان درخصوص مسائل دوجانبه، منطقه‌ای از جمله در قبال هند و افغانستان و نیز همسویی با سیاست‌های ایلات متحده، به‌ویژه در قالب پیمان سنتو، تا مقطع پیروزی انقلاب اسلامی در ایران از سطح بسیار مطلوبی برخوردار بود. (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹: ۹۸-۱۰۶)

در روزهایی که اولیه حرکت انقلابی مردم ایران، دولت پاکستان از برقراری رابطه با انقلابیون ایران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و فروپاشی رژیم شاه نیز مضایقه نکرد. (جوادی ارجمند و دیگران، ۱۳۹۱: ۵۱-۷۶) با آغاز جنگ ایران و عراق، پاکستان به منظور حفظ روابط دوستانه با ایران هیچ‌گاه به‌طور آشکار نه از عراق حمایت کرد و نه به دلیل روابط گسترده نظامی‌اش با آمریکا، تهاجم عراق به ایران را محکوم کرد. (Mushahid, 1991: 187-209)

به‌طورکلی، در مطالعه روابط دو کشور در طی سه دهه گذشته، پنج عامل ثبات و پایدار، ایدئولوژی و مذهب، قومیت‌گرایی، افراط‌گرایی دینی و تروریسم، تحولات افغانستان، نوع مناسبات هند و پاکستان که ترکیب با مؤلفه‌های متغیری چون نوع نگرش نخبگان سیاسی حاکم بر دو کشور، تحولات منطقه آسیای جنوب غربی و نظام بین‌الملل، سرنوشت مناسبات دوجانبه ایران و پاکستان و به عبارت بهتر، کیفیت رقابت و همکاری دو کشور را رقم زده است.

(جدول ۲) (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹: ۹۸-۱۰۶)

<p>- ایران اولین کشوری بود که استقلال پاکستان از هند را در چهاردهم اوت سال ۱۹۴۷م به رسمیت شناخت.</p> <p>- دولت وقت ایران در جنگ هند و پاکستان (۱۹۶۵م) از هرگونه کمکی به همسایه خود دریغ نوزید و در بحران ۱۹۷۱ م و استقلال بنگلادش نیز ضمن تلاش برای جلوگیری از بروز جنگ، کمک‌های فراوانی در اختیار پاکستان قرار داد.</p> <p>- به‌طورکلی، تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی حدود ۱۶ قرارداد بین دو کشور در زمینه‌های مختلف امضا شد که لغو روادید دارندگان گذرنامه سیاسی (۱۹۷۴م) از جمله آن‌ها است.</p>	<p>قبل از انقلاب اسلامی ایران</p>
<p>- اعزام خورشید احمد، یکی از اعضای کابینه ضیاء‌الحق در اواخر سال ۱۹۷۸ م به فرانسه برای دیدار و ابلاغ پیام رئیس‌جمهور پاکستان به حضرت امام (ره)</p> <p>- ارتباط با انقلابیون ایران</p>	<p>هم‌زمان با آغاز حرکت انقلاب اسلامی در ایران</p>
<p>- به رسمیت شناختن نظام جدید جمهوری اسلامی ایران توسط دولت پاکستان</p> <p>- عدم شرکت پاکستان در تحریم اقتصادی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران</p> <p>- موضع بی‌طرفانه پاکستان در جریان جنگ عراق علیه جمهوری اسلامی ایران</p> <p>- سفر رئیس‌جمهور وقت جمهوری اسلامی ایران، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، به پاکستان و استقبال بیش از دو میلیون نفر از ایشان</p> <p>- به مناسبت ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، دولت پاکستان ۱۰ روز عزای عمومی اعلام و پرچم‌های خود را نیمه افراشته کرد</p> <p>- به دنبال انصراف الجزایر در سال ۱۹۹۲م، پاکستان به عنوان حافظ منافع جمهوری</p>	<p>از اوایل انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۷۳ هـ.ش</p>

<p>اسلامی ایران در امریکا انتخاب شد - پس از اینکه جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۳ هـ.ش از پیمان نظامی «سنتو» خارج شد، یک پیمان اقتصادی جدید به نام E.C.O (اكو) بین سه کشور ترکیه، جمهوری اسلامی ایران و پاکستان به وجود آمد.</p>	
<p>- ایران به عنوان یک کشور مسلمان و شیعه از عملکرد طالبان ناراضی بود و به مخالفت با آنان پرداخت؛ بنابراین، تخاصم طالبان نسبت به ایران به دلایل مختلف افزایش پیدا کرد. این گروه سرانجام در ۱۷ مرداد ۱۳۷۷ هـ.ش طی حمله‌ای وحشیانه به سرکنسولگری جمهوری اسلامی ایران در شهر «مزار شریف» افغانستان، هشت دیپلمات و یک خبرنگار ایرانی را به شکل مظلومانه‌ای به شهادت رساندند. در این ماجرا، مقامات پاکستانی علی‌رغم اینکه در میان نیروهای جهادی در افغانستان نفوذ داشتند، اعلام بی‌طرفی کرده، هیچ‌گونه اقدامی در این رابطه انجام ندادند که این امر باعث ایجاد سردی در روابط بین دو کشور شد. - شهادت صادق گنجی، رایزن فرهنگی ایران در پاکستان توسط شاخه نظامی سپاه صحابه؛ گنجی مسئولیت کنسولگری و خانه فرهنگ ایران را در مولتان (لاهور) پاکستان از سال ۱۳۶۵ هـ.ش تا ۱۳۶۹ هـ.ش بر عهده داشت و در زمان فعالیت در پاکستان از نفوذ زیادی در میان گروه‌های شیعه و سنی برخوردار بود.</p>	<p>از پیروزی طالبان در افغانستان تا سفر مشرف به جمهوری اسلامی ایران (سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۸ هـ.ش)</p>
<p>- ارتشبد مشرف، رئیس اجرایی وقت حکومت پاکستان با مشاوره نظامیان این کشور در تاریخ ۱۳۷۸/۹/۱۷ هـ.ش. به دنبال این ملاقات، پرونده شهید صادق گنجی به جریان افتاد و قاتل وی در مورخه ۱۳۷۹/۱۲/۱۰ هـ.ش در زندان «میانوالی» به دار آویخته شد. پس از سفر ژنرال مشرف، پاکستان و ج.ا.ا در زمینه‌های سیاسی، نظامی و دفاعی از روابط حسنه‌ای برخوردار شدند و فضای مناسبی نیز برای توسعه روابط فرهنگی ایجاد شد. - نیروهای امدادی ارتش کشور پاکستان در سال ۱۳۸۲ هـ.ش به هنگام زلزله شهرستان بم به کمک زلزله‌زدگان شتافت و متقابلاً نیز جمهوری اسلامی ایران در زلزله سال ۱۳۸۴ هـ.ش در مناطق شمالی و کشمیر پاکستان کمک‌های ارزنده‌ای به این کشور ارائه کرد</p>	<p>از سفر مشرف به تهران تا شکل‌گیری گروهک تروریستی جندالله (۱۳۷۸/۹/۱۷ تا ۱۳۸۲ هـ.ش)</p>
<p>پس از گسترش فعالیت‌های گروه جندالله به سرکردگی ریگی با حمایت غرب، به‌ویژه امریکا و انجام اقدامات تروریستی توسط این گروه در داخل خاک جمهوری اسلامی ایران به‌خصوص ترور جانشین فرمانده نیروی زمینی سپاه در سال ۱۳۸۸ هـ.ش و برخی شواهد و قرائن که حاکی از حمایت سازمان اطلاعاتی پاکستان از ریگی بود، روابط دو کشور تا حد زیادی سرد و حتی در برخی قسمت‌ها متوقف شد. اگر چه مقامات پاکستانی حمایت از گروه - به اصطلاح - جندالله و ریگی را تکذیب کردند، ولی این تیرگی روابط سیاسی و به‌ویژه نظامی میان دو کشور سه سال طول کشید. در ادامه در سال ۱۳۹۱ هـ.ش با سفر «ژنرال پاشا»، رئیس سازمان اطلاعاتی پاکستان، به تهران و مذاکره با برخی از مقامات ایران در مورد مشکلات فی‌مابین، تا حدودی سردی روابط کاهش یافت و هیئت‌هایی نیز میان دو کشور تبادل شد.</p>	<p>شکل‌گیری گروهک تروریستی جندالله به سرکردگی ریگی تا دستگیری وی (۱۳۸۲ تا ۱۳۸۸ هـ.ش)</p>

<p>با دستگیری ریگی توسط جمهوری اسلامی ایران، سردی روابط دو کشور از سال ۱۳۹۱ هـ.ش با سفرهای سیاسیون و نظامیان به‌ویژه رؤسای جمهور دو کشور، وزرای خارجه، نفت، کشور و امضای تفاهم‌نامه امنیتی و مواد مخدر، تشکیل جلسه سه جانبه سران در خصوص افغانستان، تشکیل کمیسیون مشترک اقتصادی، بحث خط لوله صلح و نیز تبادل هیئت‌های مختلف در حوزه سیاسی و اقتصادی بین دو کشور، روابط فی‌مابین اگر چه افزایش یافت، اما دخالت‌های بیگانگان به‌ویژه امریکا و عربستان سعودی همچنان بر این روابط تأثیرگذار بود، ولی تلاش‌ها برای توسعه روابط کماکان در جهت مثبت ادامه دارد.</p>	<p>دستگیری ریگی تاکنون</p>
--	----------------------------

جدول ۲، تاریخچه و سطح روابط سیاسی، اقتصادی و نظامی پاکستان و جمهوری اسلامی ایران
منبع جدول (نگارنده)

۴-۴. نقش مذهب شیعه و جایگاه آن در پاکستان

کشور پاکستان دومین کشور دارای جمعیت شیعه جهان بعد از ایران است که از ۹۵ درصد جمعیت مسلمان این کشور، ۷۵ درصد اهل سنت و ۲۰ درصد اهل تشیع هستند. با این جمعیت فراوان شیعیان نمی‌توان نقش آن‌ها را در سیاست‌های کشور پاکستان چه در حوزه داخلی و چه روابط آن با سایر کشورها به‌ویژه ایران منکر شد.

مهم‌ترین مناطق شیعه‌نشین پاکستان

شهر یا شهرستان	ایالت
کوئته جعفرآباد	بلوچستان
کراچی حیدرآباد	سند
لاهور مولتان راولپندی کچی لیه	پنجاب
کوهات هنکو دیره اسماعیل خان پاراجنار (واقع در منطقه قبایلی)	ایالت سرحد
بلتستان گلگت کشمیر	مناطق شمالی



منبع: سایت ویکی شیعه (دانشنامه مجازی مکتب اهل بیت)، پاکستان

شیعه پاکستان

نقش آفرینی مذهب و پیوند خوردن آن با مفهوم قدرت، تنها موضوعی مربوط به زمان حال و مذهب شیعه نیست. مذهب در گذشته نیز یکی از عوامل مؤثر در پیوند و جداسازی مرزهای جغرافیایی بوده است. در قرن بیستم کمابیش نقش آفرینی عوامل مذهبی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و پدیده‌های ناشی از آن تداوم داشته است. در حال حاضر نیز ثبات سیاسی برخی از کشورها تا حد زیادی در ارتباط با توزیع فضایی مذهب و زبان است. (احمدی و واثق، ۱۳۹۱: ۸۴-۶۵)

در حقیقت مذهب در کنار زبان یکی از قوی‌ترین نیروهای مؤثر در کشورهای مستقل کنونی به شمار می‌آید. همچنین عامل مذهب هنوز دلیل بقای بسیاری از کشورهاست. (جردن و راونتری، ۲۰۴: ۱۳۸۰) بنابراین، مذهب با وجود آموزه‌های اعتقادی، معارف و آرمان‌ها به ایجاد نوعی فرهنگ سیاسی در مردم و پیروان خود اقدام می‌کند. مذاهبی که آموزه‌های اصیل یا حتی نمادهای الهام‌بخشی ندارند، نمی‌توانند تحرک فراوانی را در جوامع ایجاد کنند. نکته‌ای که نباید فراموش کرد این است که ممکن است مذهب واجد این ویژگی‌ها باشد، اما به دلایلی مختلف

تواند در دوره‌هایی خاص نقش‌آفرینی لازم را داشته باشد، اما در دوره زمانی دیگری بر اثر تحولات داخلی یا بین‌المللی پتانسیل نهفته در آن شکوفا شود. اتفاقی که در مورد مذهب تشیع در پاکستان صدق می‌کند می‌تواند مصداق بارزی بر این ادعا باشد. با وجود اینکه شیعیان پاکستان از جمله مظلوم‌ترین شیعیان هستند که روزانه در زیر سایه مرگ به واسطه تهدید حملات انتحاری گروه‌های تکفیری زیست می‌کنند، اما هرگز قدمی از مرام و مسلک تشیع خود بازنگشته‌اند، بلکه ایمان آن‌ها استوارتر از قبل بر مسیر اهل‌بیت (ع) در حرکت است.

در طول قرن‌های سپری‌شده، شیعیان پاکستان همواره زندگی مسالمت‌آمیزی در کنار اهل سنت این کشور تجربه کرده‌اند. با آغاز تنش‌های فرقه‌ای نشأت‌گرفته از سوی جریان‌های وهابی، روابط میان طرفین متشنج شده و شیعیان به دلیل جمعیت کمتر و موقعیت اجتماعی ضعیف‌تر در سطح جامعه دائماً مورد تهدید افراطیون قرار گرفته‌اند. برخلاف سال‌های اخیر که عرصه بر آن‌ها تنگ شده، آنان در گذشته‌ای نه چندان دور فعالانه‌تر در اجتماع حضور یافته، نقش‌آفرینی می‌کردند.

بنا بر شواهد تاریخی، شمار زیادی از مقامات پاکستان در سه دهه ابتدایی استقلال این کشور از هند را شیعیان تشکیل می‌دادند. محمدعلی جناح، رهبر استقلال پاکستان، یک شیعه بود و همچنین اسکندر میرزا، از رهبران پاکستان بین سال‌های ۱۹۵۵ تا ۱۹۵۸ م، نیز شیعه مذهب بوده است. هرچند دهه اخیر تمام رؤسای جمهور و نخست‌وزیران این کشور از میان اهل سنت انتخاب شده‌اند، اما شیعیان در سطوح پایین‌تر در تمام نهادهای دولتی (افسران، ژنرال‌ها و نیز نمایندگان مجالس سنا و ملی) تقریباً حضور دارند.

به هر حال، نفوذ و قدرت غیررسمی و غیردولتی تشیع به عنوان بستری برای اعمال قدرت نرم در پاکستان خود را نشان داده است، به‌گونه‌ای که عناصر برون‌سیستمی در پاکستان در پی آن هستند که جهت‌دهی خشونت‌ها علیه شیعیان این کشور را در راستای اهداف راهبردی منطقه‌ای خود تقویت کنند و از آن بهره بگیرند. هر اندازه که امریکا، انگلیس و عربستان احساس کنند جریان کلی سیاسی منطقه به نفع ایران رقم می‌خورد، فشار خود را بر جامعه شیعی منطقه و از جمله پاکستان می‌افزایند که خشونت‌های ضدشیعی فرقه‌ای، مهلک‌ترین آنان است. (جمالی، ۱۳۸۸: ۱۳۳-۱۴۴)

۵-۴. ژئوپلیتیک شیعه و روابط ایران و پاکستان

موقعیت بی‌نظیر ایران و قرار گرفتن در کانون جوامع شیعی با داشتن اکثریت جمعیت شیعه و قرار گرفتن شیعیان پاکستان در همسایگی ایران، سرعت پخش امواج انقلاب اسلامی ایران در پاکستان را افزایش داد و از سوی دیگر شیعیان پاکستان به دلیل شرایطی که در آن قرار داشتند کاملاً پذیرای امواج انقلاب اسلامی ایران بودند. از نکات بارز و مشهود در تاریخ معاصر

پاکستان، تحرک سیاسی شیعیان این کشور طی دهه‌های گذشته است. شیعیان پاکستان از اواسط دهه ۱۹۷۰ میلادی به تدریج با خروج از انزوا، فعالانه وارد عرصه‌های اجتماعی و سیاسی شدند. این حرکت در ابتدا به صورت اقدامات اعتراضی آغاز شد، سپس نهضت اجرای فقه جعفریه پاکستان به عنوان اولین تشکل فراگیر شیعیان به رهبری مفتی جعفر حسین شکل گرفت. به دنبال آن، تشکل‌های دیگری به‌گونه‌ای فعال جهت تأمین هویت سیاسی متمایز برای شیعیان و اتفاق حقوق آن‌ها در عرصه پاکستان به فعالیت پرداختند.

شیعیان پاکستان که دارای اشتراکات فرهنگی، زبانی و مذهبی با ملت ایران هستند، در زمان وقوع انقلاب اسلامی در ایران به دلیل بی‌توجهی متوالی و مدید دولت‌های وقت نسبت به حقوق آنان، عدم هماهنگی و پراکندگی در بین خود شیعیان و همچنین به دلیل فعالیت‌های اسلامی‌ساز توسط حکومت و تحمیل فقه حنفی بر آنان در وضعیت اسفباری قرار داشتند. به این ترتیب، انقلاب اسلامی ایران به نقطه عطفی در حیات سیاسی پاکستان تبدیل شد و موجب احیای مجدد حیات اجتماعی شیعیان پاکستان شد. (کامران و دیگران، ۱۳۹۲: ۹۵-۷۱)

بنابراین، امروزه روابط گسترده کشورها به عنوان یک عامل کلیدی در توسعه و پیشرفت به شمار می‌آید. افزایش تعداد مردم با خصوصیات فرهنگی، مذهبی و قومی مشابه می‌تواند به عنوان یک ویژگی کلیدی و عامل ژئوپلیتیکی در این قرن باشد. (مهکویی، ۱۳۹۱: ۹-۳۹)

جمهوری اسلامی ایران با برخورداری از پانزده همسایه ارضی و دریایی، حوزه بزرگی از همسایگان متفاوت با توانایی‌های مختلف را در کنار خود دارد. روابط با همسایگان، خواسته یا ناخواسته، دوستانه یا خصمانه، تأثیرات تعیین‌کننده‌ای بر امنیت و تمامیت ارضی هر کشوری دارد. یکی از مهم‌ترین همسایگان ایران کشور پاکستان است. روابط ایران و پاکستان به عنوان دو کشور همسایه، با توجه به قرابت جغرافیایی و داشتن اشتراکات فراوان می‌تواند در یک فضای ویژه و مجزا مورد تحلیل قرار گیرد. (جوادی ارجمند و دیگران، ۱۳۹۱: ۵۱-۷۶)

رابطه ایران و پاکستان برخاسته از دیدگاه و میراث مشترک فرهنگی و سیاسی دو کشور است که تاریخی طولانی دارد. با شکل‌گیری پاکستان، ایران اولین کشوری بود که آن را به رسمیت شناخت و همچنین با وقوع انقلاب اسلامی ایران و شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی، پاکستان اولین کشوری بود که جمهوری اسلامی ایران را به رسمیت شناخت و بر همین اساس دو کشور روابط خود را در حوزه‌های مختلف گسترش دادند.

یکی از عوامل مهم و استراتژیک که در تحلیل روابط ایران و پاکستان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، نقش و جایگاه شیعیان پاکستان است که نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد؛ بنابراین، شیعه بودن بخش بزرگی از جمعیت پاکستان، اصلی‌ترین زمینه ارتباط میان دو جامعه ایران و پاکستان به شمار می‌آید که البته این اشتراکات فرهنگی و مذهبی برای مردم دو کشور

نیز از اهمیت زیادی برخوردار است و این موضوع پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران تا حد زیادی تقویت شد. (موسوی، ۱۳۸۹: ۶۳-۸۸)

پیروزی یک نظام اسلامی در ایران با فرهنگ پاکستان هم‌خوانی داشت. انقلاب اسلامی ایران در بدو امر، کل جامعه پاکستان را تحت تأثیر خود قرار داد. به دنبال این تحول، ژنرال ضیاءالحق ناگزیر شد روند اسلامی کردن امور را که وعده داده بود سرعت بخشد.

درخصوص میزان تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران بر جامعه پاکستان می‌توان به این نکته اشاره کرد که پس از اشغال سفارت امریکا در تهران، پاکستان دومین کشوری بود که سفارت امریکا در آن مورد هجوم قرار گرفت، یا به عنوان نمونه دیگر می‌توان به اعتراض گسترده مردم و احزاب پاکستانی به استقرار ناوهای جنگی امریکا در بندر کراچی در سال‌های پایانی جنگ تحمیلی اشاره کرد؛ بنابراین، با توجه به موارد اشاره‌شده فعالیت جریانات و گروه‌های شیعی در پاکستان تحت تأثیر انقلاب اسلامی در ایران تشدید شد و این موضوع بر وزن سیاسی آن‌ها در جامعه پاکستان افزود، به نحوی که حکومت وقت به‌رغم گرایش‌هایی که به مذهب سنی داشت نمی‌توانست شیعیان را نادیده بگیرد. (موسوی، ۱۳۸۹: ۶۳-۸۸)

به‌طور خلاصه می‌توان نقش شیعیان پاکستان در روابط این کشور با جمهوری اسلامی ایران را این‌گونه بیان کرد:

الف. از نظر جمعیتی، شیعیان پاکستان بالغ بر ۲۵ درصد مسلمانان این کشور را تشکیل داده‌اند. با توجه به پیشینه مبارزات و فعالیت‌های سیاسی آنان و همچنین نقش شیعیان در استقلال پاکستان و نیز گرایش ایدئولوژیک آنان نسبت به جمهوری اسلامی ایران، دولت پاکستان نمی‌تواند در روابط خود با جمهوری اسلامی ایران نقش آنان را نادیده بگیرد.

ب. امروزه نیز جمعیت شیعیان طرفدار ایران در پاکستان نقشی فعال در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی کشور پاکستان دارند؛ بنابراین، اگرچه در دهه‌های اخیر رؤسای جمهور و نخست‌وزیران پاکستان از بین اهل سنت انتخاب شده‌اند، اما شیعیان نیز توانسته‌اند در سطوح پایین‌تر بر رفتار سیاسی دولت‌مردان به‌ویژه در رابطه با همسایگان تأثیر بگذارند.

ج. جمهوری اسلامی ایران توانسته است در سال‌های پس از انقلاب با فراهم کردن زمینه‌های تحصیل دانشجویان شیعه‌مذهب خارجی، به‌ویژه از کشور پاکستان، در مراکز علمی و حوزوی میدان نفوذ خود را گسترش دهد.

۶-۴. نقش مرجعیت و رهبری ایران برای شیعیان خارج از کشور

نهاد مرجعیت شیعه، یک نهاد هزار ساله است. ویژگی‌های اصلی این نهاد، یکی پذیرفتن اجتهاد است که شیعه در برابر اهل سنت باب اجتهاد را باز گذاشت و دوم استقلال از حکومت‌ها. حکومتی نبودن مرجعیت سبب شده بود که در طول تاریخ هزارساله خود، به عنوان پناهگاه و

تکیه‌گاه شیعیان عمل کند و بعضاً حرکت‌های مردمی را رهبری کند. به‌خصوص از زمان صفویان با رسمیت تشیع، نهاد مرجعیت نیز در کنار نهاد سلطنت بیش از پیش پختگی یافت و رویکرد استقلال‌طلبانه آن گسترش پیدا کرد.

ظهور انقلاب اسلامی در ایران و روی کار آمدن حکومت شیعی در این کشور، این فرصت را در اختیار اندیشه سیاسی شیعه قرار داد که بتواند الگوی ایدئولوژیکی خود را گسترش داده، از یک الگوی با تجربه که آزمون مبارزه سیاسی خود را در عرصه ملی و بین‌المللی پس داده است استفاده کند.

شیعیان نیروهای اجتماعی در میان گروه‌های اسلام‌گرا در درون جوامع عربی محسوب می‌شوند که از یک سو با دارا بودن آموزه‌های آیینی و تحت تأثیر نهضت امام حسین (ع) و اسطوره‌های خود از انگیزه‌های انقلابی و عدالت‌گرایانه برخوردارند و از سوی دیگر به دلیل شرایط تبعیض‌آمیز سیاسی - اجتماعی در ساختار قدرت این کشورها، زمینه‌های بازتولید هویت جمعی آنان و تحول‌خواهی به منظور تغییر شرایط موجود به وضعیت مطلوب در میان آنان وجود دارد؛ بنابراین، این نیروها قابلیت دستیابی به موقعیت جدیدی در کشورهای اسلامی را دارند. بر این اساس، هویت‌یابی شیعیان ناشی از قابلیت‌های بالقوه فرهنگی، سیاسی و ایدئولوژیک آنان است، به‌خصوص که شیعیان در کشورهای خاورمیانه فاقد حقوق شهروندی مؤثر و مناسبی بوده‌اند و این امر سبب احساس بیگانگی اجتماعی و در نتیجه حاشیه‌ای شدن نیروهای سیاسی، قومی، زبانی و مذهبی می‌شود. در این شرایط، انقلاب اسلامی ایران با تشدید موج‌های هویت‌گرایی، هویت سیاسی شیعیان این منطقه را بارزتر کرده است و این شیعیان که اعتمادبه‌نفس پیدا کرده‌اند، به محدودیت‌های سیاسی و موقعیت خود معترض بوده، در نتیجه به دنبال مقابله با این امر هستند. مجموعه این شرایط سبب شده است که افزایش سطح تعارض شیعیان سیاسی با نظام‌های سیاسی اقتدارگرا را بتوان در خیزش شیعیان در کلیه کشورهای منطقه مشاهده کرد. (جاودانی مقدم و دیگران، ۱۳۸۸: ۹۹-۱۱۲)

در این میان باید توجه داشت که اگرچه انقلاب اسلامی با فراهم کردن شرایط و بستر مناسب، بازسازی هویت مسلمانان به‌خصوص شیعیان را آغاز کرد و با ایجاد اعتمادبه‌نفس و ارائه راهکارهای نوین، آینده روشنی را به مسلمانان و حتی مردم جهان نشان داد، اما مسلماً این مسئله نیز - به‌ویژه در پرتو تحولات اخیر در منطقه خاورمیانه و احیای شیعیان پس از سقوط رژیم صدام و ظهور اولین دولت عربی با اکثریت شیعی - نیازمند تقویت دیپلماسی ایران در ژئوپلیتیک نوین تشیع و در سطح جهان اسلام است تا از یکسو زمینه انسجام هویت اجتماعی شیعی را در منطقه به وجود آورد و از سوی دیگر با عوامل واگرا، انزواساز و محدودکننده شیعیان در جوامع اسلامی به بهانه نگرانی از تشکیل هلال شیعی مقابله کند. (جاودانی مقدم و دیگران، ۱۳۸۸: ۹۹-۱۱۲)

۵- تجزیه و تحلیل

در دهه‌های اخیر علی‌رغم روابط دوستانه دو کشور مسلمان ایران و پاکستان، نزدیکی آشکار پاکستان به ایلات متحده امریکا، افزایش حمایت مالی عربستان و امارات متحده عربی (و بعضاً عمان) در تقابل ایدئولوژی با جمهوری اسلامی ایران و درنهایت رقابت دو کشور در صحنه افغانستان موجب کاهش سطح روابط طرفین شده است. (پیشگاهی‌فرد و قدسی، ۱۳۸۷: ۸۱-۹۹)

افغانستان عمق نفوذ استراتژیک پاکستان است و در صورتی که جولانگاه اسلام‌آباد باشد، مهم‌ترین مؤلفه‌ای است که می‌تواند به ایجاد توازن نسبی قدرت پاکستان در مقابل هند در جنوب آسیا منجر شود. (Alikhan and Ahmad, 2008: 28-42)

ایران نیز به دنبال گسترش نفوذ خود بر گروه‌های مختلف افغان از جمله شیعیان هزاره است، زیرا در طول جنگ با شوروی کمک زیادی به این گروه‌ها کرد. در مقابل، پاکستان همراه با ایالات متحده و عربستان سعودی از طالبان حمایت می‌کردند. با استقرار دولت طالبان در افغانستان، روابط ایران و پاکستان به سردی گرایید (Pant, 2009: 43-50) که البته با حمله امریکا بعد از حادثه یازده سپتامبر به افغانستان، یخ روابط ایران و پاکستان ذوب شد و رابطه دو کشور تا حدودی بهبود پیدا کرد. هر کدام از کشورهای ایران و پاکستان در توسعه روابط با هم اهدافی را دنبال می‌کردند که انگیزه پاکستان افزایش حوزه نفوذ سیاسی- اقتصادی خود در منطقه بود، درحالی‌که انگیزه اصلی ایران از روابط با آسیای مرکزی، اطمینان از امنیت خود و شکستن انزوا بوده است. (Alam, 2009: 526-547)

اما به نظر می‌رسد که هنوز هم پاکستان با رقیب ایدئولوژیک ایران، یعنی عربستان سعودی، سیاست واحدی را در قبال افغانستان برای محدود کردن نفوذ ایران دنبال می‌کند و از طرفی سیاست‌های ایران و هند (رقیب پاکستان) در افغانستان یکسان است.

علاوه بر مسئله افغانستان، اقدام هند و پاکستان به منظور کسب سلاح هسته‌ای به عنوان چالشی در روابط ایران و پاکستان محسوب می‌شود. عدم عضویت این دو کشور در ان . پی . تی موجب تضعیف و ناکارآمدی پیمان منع گسترش تسلیحات هسته‌ای شده است که ایران این موضوع را در بلندمدت تهدیدی برای خود می‌داند. بعلاوه، پاکستان به دلیل هم‌جواری استان سیستان و بلوچستان ایران و پیوندهای فرهنگی و ریشه‌ای بلوچ‌های دو کشور و با تقویت گروه‌های مذهبی اهل سنت ایران و رشد گروه‌های افراطی در مرزهای ایران و آموزش مذهبی و عملیاتی آن‌ها در خاک خود باعث شده است تا این موضوع به چالشی امنیتی در روابط دو کشور تبدیل شود. (جوادی ارجمند و دیگران، ۱۳۹۱: ۵۱-۷۶)

اما با وجود چالش‌های ذکر شده، آنچه توانسته است موقعیت ایران را در خاک پاکستان تقویت کند، حضور فعال و تقویت شده شیعیان پاکستان در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی است. دولت‌های پاکستان به تناسب احساس خطر از ناحیه شیعیان این کشور سعی کرده‌اند رفتار سیاسی خود را به گونه‌ای تنظیم کنند که از شورش و خیزش مردمی شیعیان جلوگیری شود. باید توجه داشت که شیعیان پاکستان می‌توانند از طریق شکل‌گیری به صورت جبهه واحد در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با تأکید بر وحدت و ایجاد یک هویت جمعی شیعی، نقشی اساسی در پاکستان ایفا کنند و به صورت یک گروه اقلیت تأثیرگذار، رفتار سیاسی دولت را چه در بعد داخلی و چه روابط بین‌الملل در عرصه‌های گوناگون جهت‌دهی کنند. با توجه به ساختار سیاسی پاکستان که مبتنی بر جاگیرداری و سرداری است؛ بنابراین، برخی خانواده‌های سیاسی به‌طور سنتی قدرت سیاسی را در دست داشته‌اند که در میان آنان خانواده‌های سرشناس شیعه نیز وجود دارد که این موضوع توانسته است یکی از زمینه‌های ارتباط بین دو کشور باشد.

به‌طور خلاصه باید عمق عوامل همگرایی شیعیان ایران و پاکستان را در پیوندهای تاریخی و جغرافیایی، پیوندهای دینی، زبانی، فرهنگی و نیز منافع مشترک جست‌وجو کرد. از مهم‌ترین موارد واگرایی می‌توان به کارکرد مرزهای دو کشور و نیز حضور فعال، گسترده و تقویت شده عناصر تکفیری - وهابی در کشور پاکستان اشاره کرد. البته استمرار فشار تشکلهای افراطی علیه شیعیان در پاکستان و اقدامات حمایتی ایران از شیعیان، توانسته است از یک طرف موجبات همگرایی با شیعیان این کشور را فراهم کند و از سوی دیگر یکی از دلایل واگرایی ایران و پاکستان قلمداد شود.

۶- نتیجه‌گیری

روی کار آمدن حکومت شیعی در ایران یکی از عوامل مؤثر بر ژئوپلیتیک منطقه بود که حساسیت غرب و قدرت‌های منطقه‌ای را نسبت به کشورهای دارای جمعیت شیعه برانگیخت. کشور پاکستان به دلیل هم‌جواری با ایران، وجود میراث مشترک فرهنگی - مذهبی و جمعیت فراوان شیعیان، تأثیرات زیادی از انقلاب ایران پذیرفت. می‌توان گفت که انقلاب ایران موجب احیای حیات سیاسی - اجتماعی و سیاسی و تشکیلاتی شدن شیعیان پاکستان شد. این موضوع مقابله و عکس‌العمل گروه‌های افراطی سنی‌مذهب را به دنبال داشت. از طرفی کشورهای منطقه مانند عربستان که رقابت ایدئولوژیک با ایران دارند همواره با حمایت از گروه‌های تکفیری و سلفی، سعی در ایجاد تفرقه در بین شیعیان و اهل سنت پاکستان داشته‌اند، اما پاکستان با توجه به شرایط ژئوپلیتیک و موقعیت جغرافیایی خود همواره تلاش کرده است که روابط حسنه خود را با هر دو کشور عربستان و ایران حفظ کند، زیرا پاکستان از یک سو ایران را همسایه و

شریک راهبردی و تعیین‌کننده خود در منطقه می‌داند و هرگز نمی‌خواهد این رابطه حسنه را از دست دهد و از سوی دیگر وجود جمعیت فراوان شیعه که پس از انقلاب اسلامی ایران به جمعیتی فعال در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی پاکستان تبدیل شده‌اند به‌مثابه یک گروه فشار و تأثیرگذار در تنظیم سیاست‌های خود در ارتباط با کشورهای منطقه به‌ویژه ایران می‌داند و نمی‌تواند رویکرد شیعیان که بالغ بر ۲۰ درصد از جمعیت پاکستان را تشکیل می‌دهند نادیده بگیرد؛ بنابراین، پژوهش حاضر به دنبال جوابی منطقی برای ارزیابی روابط ایران و پاکستان از منظر ژئوپلیتیک شیعه بوده است و با توجه به یافته‌های تحقیق و بر اساس تفسیر روابط بین‌الملل از منظر رویکرد اسلامی به روابط بین‌الملل و رعایت اصل اعتدال و میانه‌روی با یک نگرش منطقی به ماهیت انسان و ژئوپلیتیک، فرضیه پژوهش مبنی بر نقش مهم و تعیین‌کننده شیعیان در روابط دو کشور با توجه به جایگاه آنان در کشور پاکستان مورد تأیید قرار می‌گیرد.

کتابنامه

الف - کتاب

۱. اطهر رضوی، سید عباس، (۱۳۷۶)، شیعه در هند، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ج ۱.
۲. حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی.
۳. عارفی، محمد اکرم، (۱۳۸۵)، شیعیان پاکستان، قم: بوستان کتاب، ج ۱.
۴. مجتهدزاده، پیروز، (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک، تهران: انتشارات سمت.
۵. موسوی بجنوردی، سیدمحمدکاظم، (۱۳۶۷)، دایره المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ناشر مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، چاپ اول

ب - مقالات

۶. ابراهیمی، شهرزاد؛ ستوده، علی اصغر؛ شیخون، احسان، (۱۳۸۹)، «رویکرد اسلامی به روابط بین‌الملل در مقایسه با رویکردهای رئالیستی و لیبرالیستی»، دوفصلنامه دانش سیاسی، ۶(۱۲): ۴۲-۵.
۷. احمدی، سید عباس؛ واثق، محمود؛ جاسم‌نژاد، مسعود، (۱۳۹۱)، «ژئوپلیتیک شیعه و ارتقای جایگاه ایران در خاور میانه پس از انقلاب اسلامی»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۸۰: ۶۵-۸۴.
۸. افضل‌ی، رسول؛ کیانی، وحید، (۱۳۹۱)، «بازخوانی ژئوپلیتیک شیعه: نگرشی جدید به بحث، همایش ژئوپلیتیک شیعه»، ۷۸-۸۷.
۹. پیشگاهی‌فرد، زهرا؛ قدسی، امیر، (۱۳۸۷)، «بررسی و تحلیل ویژگی‌های ژئوپلیتیکی پاکستان و نقش آن در روابط با سایر کشورها»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، ۶۳: ۸۱-۹۹.
۱۰. جاودانی‌مقدم، مهدی؛ نصوحیان، محمدمهدی، (۱۳۸۸)، «نقش انقلاب اسلامی ایران در هویت‌یابی جمعی شیعیان در خاورمیانه»، فصلنامه خط اول، ۹: ۹۹-۱۱۲.
۱۱. جمالی، جواد، (۱۳۸۸)، «معناشناسی خشونت‌های ضدشیعی در پاکستان»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای جهان اسلام، ۳۷: ۱۳۳-۱۴۴.
۱۲. جواد ارجمند، محمدجعفر؛ بیدالله‌خانی، آرش؛ رضایی‌زاده، پیمان، (۱۳۹۱)، «تحلیل ژئواستراتژیکی روابط ایران و پاکستان با تأکید بر عامل امنیتی»، فصلنامه مطالعات شبه‌قاره، ۱۲: ۵۱-۷۶.
۱۳. حافظ‌نیا، محمدرضا؛ احمدی، سید عباس، (۱۳۸۸)، «تبیین ژئوپلیتیکی اثرگذاری انقلاب اسلامی بر سیاسی شده شیعیان جهان»، فصلنامه شیعه‌شناسی، ۲۵: ۷۳-۱۰۹.
۱۴. خوش‌صحبان، محمد امیر، (۱۳۹۰)، «نهضت تنباکو نقطه عطفی در تاریخ فقه سیاسی شیعه»، روزنامه کیهان، (۹۰/۳/۱۶)، ۱۹۹۳۶، ۶.

۱۵. دهقانی فیروز آبادی، سید جلال، (۱۳۸۲)، «تحول نظریه‌های منازعه و همکاری در روابط بین‌الملل»، دوفصلنامه پژوهش حقوق و سیاسی، ۸: ۷۳-۱۱۷.
۱۶. دهقانی فیروز آبادی، سید جلال، (۱۳۸۹)، «تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر نظریه‌های روابط بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، ۲۰: ۱۱-۴۰.
۱۷. رضوی، علی حسین، (۱۹۹۲)، تاریخ شیعیان علی، کراچی، امامیه اکیدمی، ۳۶۶.
۱۸. سیمبر، رضا، (۱۳۸۵)، «ژئوپلیتیک و مذهب در نظام بین‌الملل: راهبردها و تحولات»، فصلنامه ژئوپلیتیک، ۳ و ۲: ۹۸-۱۱۸.
۱۹. فاضلی‌نیا، نفیسه، (۱۳۸۵)، «علل نگرانی از انقلاب اسلامی (با تأکید بر عنصر ژئوپلیتیک شیعه)»، فصلنامه علوم سیاسی، ۳۶: ۱۱۱-۱۲۴.
۲۰. کامران، حسن؛ متقی، افشین؛ میراحمدی، فاطمه؛ غلامی، بهادر، (۱۳۹۲)، «تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان پاکستان بر اساس نظریه پخش»، فصلنامه علمی پژوهشی انجمن جغرافیای ایران (جغرافیا)، ۱۱(۳۷): ۷۱-۹۵.
۲۱. کاویانی‌راد، مراد؛ نیکزاد، روح‌الله؛ حیدری موصلو، طهمورث، (۱۳۹۱)، «تبیین منازعات شیعه و سنی (بعد از حمله امریکا به عراق)» همایش ژئوپلیتیک شیعه، دانشکده مطالعات جهان - دانشگاه تهران
۲۲. کوزه‌گر کالجی، ولی، (۱۳۹۰)، «فراز و نشیب‌های روابط ایران و پاکستان: از رقابت تا همکاری»، مندرج در کتاب پاکستان چالش‌های داخلی و سیاست خارجی، نشر پژوهشکده تحقیقات راهبردی، ۹۸-۱۰۶.
۲۳. منتظری مقدم، حامد، (۱۳۹۳)، «بازشناسی تاریخی مفاهیم شیعه»، فصلنامه تاریخ اسلام در آینه پژوهش، ۱۱(۳۶): ۹۵-۱۱۵.
۲۴. موسوی، مسعود، (۱۳۸۹)، «بررسی مواضع و عملکرد پاکستان در جنگ عراق با ایران»، فصلنامه نگین ایران، ۳۳، ۶۳-۸۸.
۲۵. مهکویی، حجت، (۱۳۹۱)، «تبیین نقش مذهب از منظر ژئوپلیتیک در خاورمیانه: مطالعه موردی مذهب شیعه»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، ۶۹، ۹-۳۹.
۲۶. میلانی، جمیل؛ اسماعیلی، محمدتقی، (۱۳۹۳)، «نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر پاکستان»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، ۳۸، ۴۶-۶۷.

ج- انگلیسی

26- Alikan, Zahid and Shair Ahmad, (2008), **Pakistan and Iran In Afghanistan: From Soviet Intervention To the Fall Of Taliban**, Gentrol Asia Journal No.64 :28-42

27- Alam, Shah, (2004), **Iran – Pakistan Relation : Political and Strategic Dimenisons**, Strategic Analysis Journal, Vol.28, No -4: 526-547.

28-Askari Rizvi , Hassan ,(2004)**Pakistan s ForeignPolicy :An Overveiw 1974-2004**, Pakistan Institute Of Legislative Development and TranSparency – pildat , 1-29.

29-Agnew .J .**Religion and Geopolitics** , 11 , 183 -191.

30-Jordan ,T. and Laventery,L. , 2001 , **Introduction to Cultural Geography , Translate by Simin Ttavallayi and Mohammad Solimani** ,In statute Of Culture , Arts and Communication , Tehran,(In Persian)

31<http://fa.wikishia.net/view/%D9%BE%D8%A7%DA%A9%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86>.

32-Mushahid , hussain , (1991) , **Pakistan – Iran Relations In the Changing World Scenario:Challenges and Response** ,In tarik Jain , et al ,eds.,Foreign Policy Debate: the years Ahead (Islamabad:Institute Of Policy Studies) , 21-59.

33-O Tuathail , G ,Spritual geopolitics:**Fr.Edmund Walsh and Jesuit Anti-Communism**,in D.Atkinson and K.Dodd(eds) Geoplitics: A century Of Geopolitical thought,(New York:Routledge,2000), 187-209.

34-Pant,Horsh V.(2009) **Pakistan and Iran s Dys Functional Relation ship**,Middle East Quarterly, Spring, Volume XVI: Number2, 43-50.

35-Snyder,Jack(2009),**Religion and International Relation s Theory**,Internet : <http://www.princeton.edu/politics/events/repository/public/faculty/snyder-religion-and-IR-theory.pdf>